

و مستقل میان ایران و اروپا فراهم است، کماکان سایه سنگین آمریکا بر روی رابطه ایران و اروپا حس می‌شود، سایه‌ای که کنار زدن آن منوط به وجود اراده قوی سیاسی در هر دو طرف اروپایی و ایرانی و داشتن تحلیل درست از شکل فعلی روابط و آسیب شناسی درست آن است. تنها در صورت فراهم شدن این پیش شرط‌ها و مقدمات است که ایران و اروپا می‌توانند با توجه به پتانسیل همکاری گسترده‌ای که وجود دارد، همکاری سازنده‌ای با یکدیگر داشته باشند، همکاری که تامین کننده منافع هر دو بازیگر خواهد بود. زمانی دوگل گفته بود: "مدیر خوب کسی است که کار را درست انجام دهد و سیاستمدار خوب کسی است که کار درست را انجام دهد." به نظر می‌رسد که در بازه زمانی کنونی، ایران و اتحادیه اروپا ابتدا به سیاستمدارانی نیاز دارند که با پرهیز از پرگویی و لاف زنی سیاستی درست را برگزینند و در گام بعدی نیاز است تا این سیاست درست به دست مدیرانی سپرده شود که می‌دانند چگونه باید سیاست‌های درست را به سرانجام رسانند.

فهم دغدغه‌های ایران در حوزه‌های مختلف اقتصادی و امنیتی خود را از موضع وابسته به ایالات متحده رهانیده و در فضای پر از بدبینی و بی اعتمادی میان ایران و ایالات متحده آمریکا فعالیت بیشتری را در جهت ارتقای روابط با ایران انجام دهد و از موضع یک مجموعه مستقل سخن بگوید. در سوی دیگر، ایران هم باید به اتحادیه این اطمینان خاطر را بدهد که سیاست‌های تقابلی فعلی را به نفع سیاستی همکاری جوانه کنار خواهد گذاشت و تلاش خواهد کرد تا با رفع تنش‌های موجود روابط خود با جامعه جهانی را بهبود بخشد، اتفاقی که در صورت وقوع منافع بسیاری برای کشورمان به دنبال خواهد داشت و جایگاه ایران در جامعه جهانی را بیش از پیش ارتقا خواهد داد.

با روی کار آمدن دولت جدید و در عرض چند ماه گذشته فضای روابط ایران با جامعه جهانی و بطور مشخص اروپا رنگ و بوی امیدواری بخود گرفته است و رویکرد تقابلی و واکنشی گذشته رنگ باخته است. اما با وجود اینکه فضا برای شکل گیری یک گفت‌وگوی سازنده

داده‌اند. برای نمونه در مورد موضوع هسته‌ای، اتحادیه اروپا همواره تحت تاثیر سیاست‌های رادیکال دولت آمریکا بوده است و کمتر به طور مستقل و به عنوان یک موجودیت مستقل وارد گفت‌وگو با ایران به منظور رسیدن به یک توافق جامع و فایده‌مند شده است. به تعبیری بهتر باید بگوییم: سیاست اتحادیه اروپا در پرونده هسته‌ای ایران سیاستی تابع و دنباله رو بوده است که با استناد به داده‌های مشکوک واکنش‌های یقینی داشته است. در سوی دیگر، ایران نیز هرگز تلاشی در جهت شکل دادن به یک دیالوگ مستقل با اتحادیه اروپا و کشورهای اروپایی (در فضای خارج از ۵+۱) انجام نداده است و همواره به این رفتار واکنشی اتحادیه اروپا واکنش‌های مقطعی نشان داده است، واکنشی که درحقیقت، واکنش ایران به رفتار غیر مستقل اروپا بوده است. اما باید توجه کرد که بهبود روابط این دو کنشگر مستلزم تغییر در رفتار این دو بازیگر و فعال شدن سیاست این دو در قبال یکدیگر و البته رها کردن مدل واکنشی-واکنشی فعلی است. در یک سو اتحادیه اروپا می‌بایستی با



کاترین اشتون پس از ۳ روز مذاکره با گروه مذاکره‌کننده ایرانی در ژنو

۱۰ نوامبر ۲۰۱۳